

کژکارکرد کنونی دانشگاه‌های ایران، مانع پیاده‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

علیرضا عالی‌پور¹

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل کارکردهای کنونی دانشگاه‌های ایران انجام شد که مانع پیاده‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌باشند. **روش:** در این پژوهش از روش‌شناسی کیفی و رویکرد تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار استفاده شده است. منابع پژوهش، مصاحبه با 13 نفر از اساتید خبره در حوزه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و همچنین تحلیل محتوای مصاحبه با 10 نفر از خبرگان درباره کارکردهای دانشگاه (ارائه‌شده در مجله برگ فرهنگ دانشگاه تهران در سال 1396) است. **یافته‌ها:** با مرور چندباره و تحلیل مصاحبه‌های مکتوب‌شده، 60 واحد معنایی استخراج و در قالب 17 رمز دسته‌بندی شدند. 17 رمز نیز در قالب پنج طبقه قرار گرفتند و در نهایت، سه درون‌مایه از آنها استخراج شد. **نتیجه‌گیری:** سه مفهوم کارکرد مادی‌گرایی، کارکرد ضد علوم انسانی اسلامی و کارکرد فرهنگ‌پذیری دانشگاه‌ها، موانع پیاده‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت شناخته شدند.

واژگان کلیدی: کارکرد، دانشگاه، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، پژوهش کیفی.

دریافت مقاله: 96/07/20؛ تصویب نهایی 97/04/17.

1. دکتری تخصصی مدیریت آموزشی، استادیار گروه مدیریت دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) نوشهر / نشانی: نوشهر؛ دانشگاه علوم دریایی /
نمابر: 77226757 / Email: alipoor.alireza@yahoo.com

الف) مقدمه

در دهه‌های اخیر، تنشها و چالشهای فراروی آموزش عالی و علم و دانشگاه، کارکردهای دانشگاههای ایران را به موضوع مطالعاتی جدیدی تبدیل کرده است. همچنین با ارائه ایده الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت توسط مقام معظم رهبری، فرایند اسلامی‌سازی دانشگاهها به گفتمانی جدید در بین افرادی که دغدغه نظام جمهوری اسلامی ایران را دارند، تبدیل شده است؛ تا جایی که بسیاری از خیرگان، برای اولین قدم در راه پیاده‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، دانشگاهها را معرفی کرده‌اند؛ زیرا تنها دانشگاه اسلامی است که می‌تواند دانشمندان اسلامی و کارگزاران اسلامی را برای تحقق دولت اسلامی پرورش دهد. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، 1391: 3)

واقعیت این است که امروزه بیش از هر زمان دیگری، دانشگاه علاوه بر کارکردهای علمی، نقشی اساسی و جدی در هدایت جامعه دارد. نهادهای آموزش عالی می‌توانند با تولید فکر، نقد و اصلاح اندیشه‌ها، تأمین نیروی انسانی کافی و متخصص، جامعه‌پذیری شهروندان، مشارکت سیاسی و اجتماعی، بالا بردن سرمایه فرهنگی و...، شرایط توسعه و تکامل همه‌جانبه جامعه را طراحی کنند (کلدی و فلاح مین‌باشی، 1388). به عبارتی؛ جامعه ایرانی که در انقلاب اسلامی با رویکرد الهی، جهان‌بینی اسلامی را مبنای شتون گوناگون زندگی خود قرار داد، خواهان آن است که آموزش عالی متناسب با مبانی و ارزشهای اسلامی داشته باشد تا با تربیت متفکران و مدیران بر وفق آن مبانی و معیارها، به ترویج و تعمیم آنها در جامعه اسلامی مبادرت ورزد. خیرگان دانشگاهی در نظام جمهوری اسلامی معتقدند که دانشگاههای ایران باید به عنوان یک نهاد پیچیده فرهنگی و کانونی مهم، به انتظام اخلاقی و اجتماعی جامعه کمک کنند. افزون بر این، جامعه را برای تسلط بر رویدادهای مهم آینده توانمند و مهیا کنند. نوآوری و الگوسازی در تولید علم و معرفت، ارتقای سطح فرهنگ عمومی در جامعه و عمومی کردن ارزشها و هنجارهای تمدنی، گفتمان‌سازی و ایجاد تمثیلهای و الگوهای مبین و قوام‌دهنده تمدن نوین اسلامی، ترویج اخلاق و اخلاق‌مداری در جامعه، از پیامدها و تأثیرات دانشگاهها در جهت تمدن‌سازی است. (کشکار و نوروزی، 1395)

اما به نظر می‌رسد کارکردهای کنونی دانشگاههای ایران دچار کژکارکردهایی شده که مانع پیاده‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت‌اند. در واقع؛ دانشگاهها دچار تغییری بنیادین شده‌اند. در سیر این تغییر، دگردیسی‌ای در دانشگاهها ایجاد شده که باعث حرکت دانشگاهها از نسل اول (آموزش‌محور) و دوم (پژوهش‌محور) به سمت نسل سوم (کارآفرین‌محور) شده است. امروزه رسالت دانشگاهها را در تربیت دانشجوی کارآفرین و دانشگاه کارآفرین دنبال می‌کنند. در پارادیم جدید، دانشگاه نسل سوم یا دانشگاه کارآفرین، دانشگاهی است که تفکر کسب و کار را در دانشگاهیان ایجاد کرده است. برای گسترش

407 ♦ کژکارکرد کنونی دانشگاه‌های ایران، مانع پیاده‌سازی ...

کارآفرینی در دانشگاه‌ها، بیش از سه دهه است که در کشورهای پیشرفته صنعتی و در حال توسعه، آموزش‌های کارآفرینی به طور جدی مورد توجه مراکز آموزشی قرار گرفته است (پاستیگو، 2002). در کشور آمریکا بیش از 50 دانشگاه (22 دانشگاه در بالاتر از پنج رشته تحصیلی)، در کشور آلمان 42 دانشگاه، در کشور سوئد هشت دانشگاه، در کشور ایتالیا پنج دانشگاه، در کشور فنلاند شش دانشگاه، در کشور اتریش هفت دانشگاه، در کشور مالزی چهار دانشگاه، در کشور مجارستان هفت دانشگاه و در کشورهای تایوان، بنگلادش و اندونزی حداقل دو دانشگاه مبحث کارآفرینی را تدریس می‌کنند. در کشور ایران نیز طی سالهای اخیر، حدود 12 مرکز کارآفرینی کار خود را در دانشگاه‌های کشور آغاز کرده‌اند که مسئولیت تحقیق و آموزش را بر عهده دارند. یکی از اقدامات راهبردی برای رشد و توسعه کارآفرینی، آموزش کارآفرینی در حوزه آموزش عالی است. (باقری و کیانی، 1395)

توجه به فرایند کارآفرینی در دانشگاه‌ها به حدی است که سازمان علمی آموزشی ملل متحد در چشم‌انداز آموزش عالی برای قرن بیست و یکم، دانشگاه‌های نوین را چنین تعریف می‌کند: «جایگاهی که در آن مهارت‌های کارآفرینی به منظور تسهیل قابلیت‌های دانش‌آموختگان و برای تبدیل شدن به ایجادکنندگان کار توسعه می‌یابد (یونسکو، 2003). این تحولات سریع و گسترده جهان امروز، تمام مرزها و زوایای جوامع انسانی را درنور دیده است. سازمانها و نهادها، ایده‌ها، اندیشه‌ها و به طور کلی نظریه‌ها و الگوها، همه در روند تحول، تجدید، ترمیم و تکمیل قرار گرفته‌اند. این تحول، به صورت مستمر وارد دانشگاه‌های ایران شد و دانشجویان دانشگاه‌های ایران بیشتر از سایر اقشار اجتماعی با این تغییرات روبه‌رو شدند. اگر دانشگاه تا دهه 60 و 70 عمدتاً نهادی در خدمت دولتها و تأمین دانش فنی مورد نیازها آنها بود - گرچه جریانهای فکری منتقد و مخالف هم در آن رشد می‌کرد - اما از آن زمان به بعد تا روزگار کنونی، دانشگاه دچار تغییرات عمده‌ای شده است (فاضلی، 1387). از طرفی، برخی از خبرگان دانشگاه اسلامی معتقدند آموزش در نسل سوم دانشگاه‌ها، محوریت اقتصادی پیدا کرده است و مأموریت دانشگاه، بازتعریف شده در راستای تربیت انسانی است که باید اصول بازار را رعایت و از آموزش به عنوان یک سرمایه‌گذاری خصوصی استفاده کند تا درآمد آینده خود را ارتقا دهد و این انسان تربیت شده، به انسان اقتصادی یا انسان کارآفرین معروف شود. درست است که در اقتصاد چنین جامعه‌ای بازار رونق پیدا کرده، اما پایه‌های تمدن‌سازی خود را از دست داده است. بنابر این، کشورهای توانسته‌اند پایه‌های تمدن‌سازی را بنا نهند و تمدن بسازند که علم را فقط در خدمت کاربرد نگرفته‌اند؛ یعنی زاینده‌گی نظری علم را حفظ کرده‌اند. (عالی‌پور و عنایتی، 1393)

نگاه صرفاً تجاری به دانشگاه و تأکید بیش از حد بر رسالت کارآفرینی دانشگاه‌های نسل سوم، باعث ایجاد نگرانی در بین علمای اسلامی شده است. به عبارتی؛ دنیایی که فقط انتظار فناورانه از علم داشت نیز ضرر کرده است. لذا سؤال این است که امروزه در راستای حرکت به سمت نسل سوم دانشگاهی، کارکردهای دانشگاه‌های ایران که مانع اجرای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت‌اند و به عبارتی کژکارکرد می‌باشند؛ کدام‌اند؟ بنابر این، محقق با هدف تحلیل وضعیت کنونی دانشگاه‌های ایران، در پی شناسایی کژکارکردهای مانع اجرای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و ارائه راهکارهای عملیاتی در راستای کارکردهای مثبت دانشگاه‌هاست.

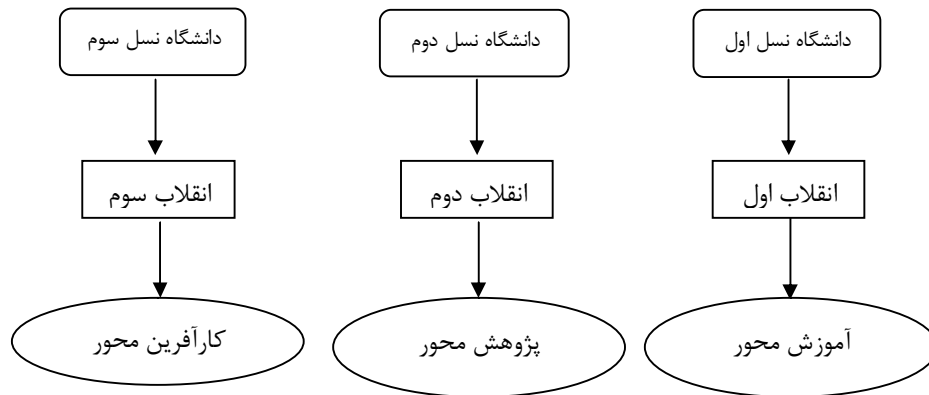
اهداف تحقیق

- تحلیل کارکردهای کنونی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور؛
- شناسایی کژکارکردهای دانشگاه‌ها به عنوان موانع پیاده‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛
- ارائه الگوی کژکارکردهای دانشگاه‌های ایران.

ب) مبانی نظری تحقیق

1. دگرذیسی در دانشگاه‌های ایران

افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه، کاهش منابع و امکانات موجود، پیدایش نیازهای اجتماعی و اقتصادی، انقلاب در مفهوم دانش، جهانی‌شدن اقتصاد و گسترش فعالیتهای دانش (تولید، توزیع و تبدیل و ترویج)، باعث ایجاد دگرگونی‌های اساسی در نظریه‌ها و ساختارها و کارکردهای نظام‌های اقتصادی و اجتماعی شده است. در همین راستا، کارکردهای دانشگاه نیز دچار تغییرات اساسی شده‌اند؛ تا جایی که امروزه کارکردهای دانشگاه را در سه حوزه آموزش، پژوهش و کارآفرینی (برقراری ارتباط دانشگاه، دولت و صنعت) تعریف کرده‌اند.



نمودار 1: تحولات دانشگاهها در طول تاریخ

با توجه به توده‌ای شدن آموزش عالی، جهانی شدن و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و ورود بازار و صنعت به آموزش عالی، نسل جدید دانشگاه‌های ایران کارکردهای ویژه‌ای پیدا کرده‌اند (قنعی راد، 1392). با تحولات روی داده در محیط جهانی و تغییر در روابط بین سه عملگر اصلی در سیستم‌های ملی نوآوری (صنعت، دولت، دانشگاه)، رسالت سومی بر عهده دانشگاهها نهاده شده و آن کارآفرینی دانشگاهی و مشارکت در توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع است. (اتزکوویتز¹ و همکاران، 2000: 314)

در دهه نخست قرن 21، مفهوم دانشگاه کارآفرین مطرح شد. طی سالهای اخیر نیز دانشگاهها به مثابه سازمانهایی با پیچیدگی فوق‌العاده در محیط آشوب بررسی شده‌اند (بارنت²، 2000). امروزه از نسل سوم دانشگاهی در ایران با عنوان دانشگاه کارآفرین یاد می‌شود و خبرگان دانشگاهی به دنبال ارتباط مؤثر با صنعت و بازار می‌باشند. تحولات نظام دانشگاهی در جوامع در حال توسعه عمدتاً ناشی از تأثیر عوامل مرتبط با فرایندهای نوسازی تلقی می‌شود (افراسیابی و خوباری، 1394). دانشگاه برای جوامع در حال گذر مانند ایران، یک نهاد مسقر با کارکردهای تثبیت شده و مورد اجماع نیست؛ بلکه پیوند تنگاتنگی با چالشهای سنت - تجدد دارد. دانشگاه قبل از انقلاب، از محوری‌ترین گرانیگاههای تحولات در ایران بود و پس از انقلاب نیز مرکز کشاکشهای فکری، فرهنگی و سیاسی از جمله انقلاب فرهنگی، تعطیلی دانشگاهها، اسلامی شدن دانشگاهها و بومی‌سازی علم شد (فراستخواه، 1389: 123). در همین راستا، با ارائه الگوی اسلامی -

1. Etzkowitz
2. Barnett

ایرانی پیشرفت در سال 1385 توسط مقام معظم رهبری، کارکردهای دانشگاههای ایران می‌تواند بسترهای لازم برای پیاده‌سازی این الگو را فراهم کند یا مانع پیاده‌سازی آن باشند.

2. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

ایدهٔ تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از سال 1385 در سخنان مقام معظم رهبری مشهود شد تا زمانی که در سال 1387 این الگو به صورت مبسوط توسط ایشان توضیح داده شد. مقام معظم رهبری به عنوان ایده‌پرداز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌فرمایند: به خاطر اینکه امروز در چشم بسیاری از نخبگان ما، بسیاری از کارگزاران ما، مدل پیشرفت صرفاً مدل‌های غربی است، توسعه و پیشرفت را باید از روی مدل‌هایی که غربی‌ها برای ما درست کرده‌اند، دنبال و تعقیب کنیم. امروز در چشم کارگزاران ما این است و این چیز خطرناکی است و هم غلط است و هم خطرناک. غربی‌ها در تبلیغات خیلی ماهر هستند؛ یعنی ماهر شده‌اند. در طول این دوستان و سیصد سالی که کار تبلیغاتی پی در پی می‌کنند، با تبلیغات موفق خودشان توانسته‌اند این باور را در بسیاری از ذهن‌ها به وجود بیاورند که توسعه‌یافتگی مساوی است با غرب و غربی شدن. هر کشوری بخواهد کشور توسعه‌یافته‌ای محسوب بشود، بایستی غربی شود و این تبلیغات آنهاست. هر کشوری که از الگوهای موجود غرب فاصله داشته باشد، توسعه‌یافته نیست و هر چه فاصله‌اش بیشتر، فاصله‌اش از توسعه‌یافتگی بیشتر می‌شود. این طوری می‌خواهند جا بیندازند و متأسفانه در ذهن‌ها جا انداخته‌اند. البته نقشهٔ پیشرفت اسلامی - ایرانی چیست؟ این باید تدوین شود، باید روشن شود، باید ابعاد و زوایای آن مشخص شود، این کار به طور کامل انجام نگرفته است و باید بشود. اما همین که ما فهمیده‌ایم که باید برگردیم به نقشهٔ اسلامی - ایرانی، این خودش موفقیت بزرگی است و این موفقیت را امروز داریم. (مقام معظم رهبری، 1387/2/14)

الف) چهار عرصهٔ مهم در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مبنای کارکرد دانشگاههای اسلامی

چهار عرصه در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، در بیانات مقام معظم رهبری تأکید شده است که پایه و اساس آنها در دانشگاهها و مراکز آموزشی اتفاق می‌افتد.

فکو؛ «در درجهٔ اول، پیشرفت در عرصهٔ فکر است. ما بایستی جامعه را به سمت یک جامعهٔ متفکر حرکت دهیم.»

علم؛ «عرصهٔ دوم - که اهمیتش کمتر از عرصهٔ اول است - عرصهٔ علم است. در علم باید ما پیشرفت کنیم.»

زندگی؛ «عرصهٔ سوم، عرصهٔ زندگی است، که قبلاً عرض کردیم. همهٔ چیزهایی که در زندگی یک جامعه به عنوان مسائل اساسی و خطوط اساسی مطرح است، در همین عنوان عرصهٔ زندگی می‌گنجد؛ مثل امنیت، مثل عدالت، مثل رفاه، مثل استقلال، مثل عزت ملی، مثل آزادی، مثل تعاون، مثل حکومت.»

411 ❖ کژکارکرد کنونی دانشگاه‌های ایران، مانع پیاده‌سازی ...

معنویت؛ «عرصه چهارم - که از همه اینها مهم‌تر است و روح همه اینهاست - پیشرفت در عرصه معنویت است. ما بایستی این الگو را جوری تنظیم کنیم که نتیجه آن، این باشد که جامعه ایرانی ما به سمت معنویت بیشتر پیش برود». (مقام معظم رهبری، 1389/10/9)

ب) مؤلفه‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در دانشگاه اسلامی

اصطلاح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، از چهار مؤلفه ایرانی، اسلامی، الگو و پیشرفت تشکیل شده است. این چهار مؤلفه نشان می‌دهند که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، برآمده از نیازها و شرایط ایران است که توسط نخبگان ملی طراحی و تدوین شده و در فرایند طراحی و عملیاتی‌سازی آن، به فرهنگها و ارزشهای اسلامی توجه ویژه‌ای می‌شود و از آنجا که مترصد پیشرفت جامعه ایرانی با توجه به فرهنگ و موقعیتهای جغرافیایی ایران است، یک الگوی بومی خواهد بود. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر اساس منابع اصیل اسلامی و نیازهای حقیقی شهروندان ایرانی ترسیم می‌شود. در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تأکید بر اهمیت ابزارهای فرهنگی از قبیل آموزش و پرورش و رسانه، توجه به مسائل و خطوط اصلی زندگی مانند امنیت، عدالت، رفاه، آزادی، حکومت، استقلال، عزت ملی و تأکید بر علم و معنویت است. در این الگو، بر نهضت نرم‌افزاری و جنبش تولید علم، گفتمان‌سازی و نظریه‌پردازی بسیار تأکید شده است. (سنجولی، 1392، 80)

در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تأکید بر ثروت از راه علم و مسیر استفاده صحیح از ثروت دانش‌بنیان است؛ اما این ثروت و تبدیل علم به عمل و ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان باید در راستای اهداف پیشرفت اسلامی - ایرانی باشد. بدین منظور، این الگو علاوه بر توجه به کارآفرینی و اقتصاد دانش‌بنیان که از علوم فنی مهندسی نشأت می‌گیرد، به علوم انسانی و دانشگاه اسلامی توجه ویژه دارد و خواهان ارتباط بین علوم انسانی با سایر علوم است و از علوم انسانی اسلامی و دانشگاه اسلامی یاد می‌شود. به عبارتی؛ در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، کارکردهای از دانشگاه اسلامی مدنظر است که با ارزش‌آفرینی در علوم انسانی اسلامی همراه با سایر علوم و دانشگاه اسلامی معنا پیدا می‌کنند. پیشرفتهای فناورانه، بالا رفتن انتظارات و تغییرات جامعه همراه با تقاضا و نیاز ذی‌نفعان، زمینه‌هایی‌اند که نیاز به نوآوری‌های آموزشی را در بعد یاددهی و یادگیری ضروری می‌دانند (نبلی و همکاران، 1394)؛ اما این نوآوری‌ها باید در کنار علوم انسانی اسلامی و فرهنگ اسلامی اتفاق بیفتد. از این جهت، جایگاه کارکردهای دانشگاه بیش از پیش نمود پیدا می‌کند. ارائه نقشه راه تمدن نوین اسلامی و تلاش در جهت نیل به آن، به مثابه پیشرفتی همه‌جانبه و در همه زمینه‌ها، سرمنزلهایی تحقیقی‌یابی جامع الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت خواهد بود (عبدالملکی و همکاران، 1394). کارکردهای کنونی دانشگاه‌های ایران باید در راستای نقشه راه تمدن نوین اسلامی باشند تا بتوانند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را در متن جامعه پیاده‌سازی کنند.

ج) پیشینه پژوهش

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ضمن تأکید بر دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی، توجه ویژه‌ای به کارکردهای فرهنگی دانشگاه دارد؛ اما با بررسی میدانی وضعیت کنونی دانشگاهها، سمت و سوی تجاری و اقتصادی خبرگان دانشگاهی و مسئولان به نظام آموزش عالی دیده می‌شود که نیاز به بازبینی در کارکردهای کنونی دانشگاههای ایران دارد. اگر چه تحقیقات جامعی در رابطه با کارکردهای دانشگاهها (موانع ایجاد دانشگاه اسلامی و الگوی ایرانی - اسلامی) انجام نشده، اما برخی از پژوهشها تأییدکننده حرکت دانشگاهها به سمت تربیت انسان بازارمحور و اهمیت ویژه تفکرات صرفاً اقتصادی در رسالت دانشگاههاست. از طرفی، در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و مأموریت دانشگاه اسلامی، تربیت انسان انقلابی مطرح است. در این خصوص، در پژوهشهای جداگانه‌ای کارکردهای مدّ نظر نظام جمهوری اسلامی از دانشگاهها بر اساس اندیشه‌های امام خمینی (ره) و وضعیت مطلوب دانشگاه اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری به عنوان کارکرد مثبت و در تضاد با کارایی کنونی برخی از دانشگاههای کشور، بررسی شده که در جدول 1 به آنها اشاره شده است.

جدول 1: پیشینه تحقیقات انجام شده (تأییدکننده کارکردهای مثبت و کارکردهای دانشگاهها)

عنوان	محقق	یافته‌ها	ارتباط با موضوع این پژوهش
ظهور اقتصاد جهانی دانش و ضرورت تحول در اقتصاد آموزش عالی ایران	دفتر مطالعات فرهنگی مجلس شورای اسلامی	تغییر ینش و نگرش سیاستگذاران به نظام آموزش عالی؛ آموزش عالی یک صنعت است؛ دانشگاه یک بازار دانش سازمان یافته است نه یک سازمان علمی - فرهنگی دیوانسالار	کژکارکرد: پیشنهاد نگاه بازاری از طرف سیاستگذاران آموزش عالی به دانشگاه
بازخوانی جایگاه علم	خواجehlو و حسام‌پور (1390)	مختصات الگوی دوم علم، تجاری و کلاسی شدن علم است؛ از ویژگی انگلی برخوردار بوده و نمی‌تواند جایگزین الگوی اول شود.	کژکارکرد: مأموریت کنونی علوم در دانشگاهها هدفی سودآورانه و بنگاهی دارد.
رشته‌های تحصیلی: کارکردها، کژکاردها و تحولات	فاضلی (1392)	مشکل رشته‌های تحصیلی در جامعه ایران، عدم برقراری ارتباط با دانش و گفتمان است.	کژکارکرد: دانش فاقد معناست.
مؤلفه‌های دانشگاه پایدار	ملکی نیا و همکاران (1394)	تبعیت دانشگاهها از رویکرد فلسفه بازار (مشری‌مداری، خصوصی‌سازی و ...)	کژکارکرد: صرفاً تحقق توسعه اقتصادی در مأموریت دانشگاهها
کارکردهای مدّ نظر نظام جمهوری اسلامی ایران از دانشگاهها بر اساس اندیشه‌های امام خمینی (ره)	ذوالفقارزاده و سعیدآبادی (1393)	کارکردهای انسان‌سازی، آینده‌سازی، تداوم انقلاب، تأمین استقلال و خودباوری	کارکرد مثبت: دانشگاه، نهاد متولی تولید علم و دانش در جامعه اسلامی
بررسی وضعیت مطلوب دانشگاه اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری	کشتکار و نوروزی (1395)	سه محور دانشگاه اسلامی: دانشجوی انقلابی، استاد متقی و عالم، اهداف انقلاب اسلامی	کارکرد مثبت: مصون ماندن دانشگاهها از انحراف در گفتمانها، برداشتها، برنامه‌ریزی‌ها، فعالیتها

د) روش تحقیق

گردآوری داده‌ها، طی مصاحبه با 13 نفر از اساتید خبره دانشگاه و صاحب‌نظر در زمینه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، انجام گرفت. در شماره 10 مجله برگ فرهنگ دانشگاه تهران نیز تعداد 10 نفر از اساتید و دانش‌پژوهان در خصوص کژکارکرد دانشگاهها نظرات خود را ارائه داده‌اند که استفاده هدفمند از نظرات آنان، موجب تسریع و تسهیل در فرایند تحقیق شد.

با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد، کژکارکردهای کنونی دانشگاه‌های ایران در پیاده‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت شناسایی شدند. بر اساس رویه‌های داده‌بنیاد، ابتدا نکات کلیدی داده‌ها احصا و کدگذاری می‌شوند. سپس با مقایسه کدها، نکات مشترک ذیل عنوان «مفهوم» قرار داده شده و به همین ترتیب، مفاهیم در قالب «مقوله» و مقوله‌ها در قالب «نظریه» متجلی می‌شوند (یون، 2001¹). بر این اساس، گزارش کلامی مصاحبه‌شوندگان و محتوای مجله برگ سبز دانشگاه تهران که یادداشت‌هایی به صورت مصاحبه بوده، در قالب کدهای باز، بازبینی شد. همچنین محتوای کلامی 13 نفر از خبرگان صاحب‌نظر در زمینه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، به روش داده‌بنیاد متنی تحلیل شدند. طی فرایند تحقیق، تعاملات شفاهی با مشارکت کنندگان، به اسناد مکتوب تبدیل شد و پس از مرور چندبارۀ متون، 60 واحد معناداری و 17 رمز شناسایی شد. واحد معناداری عبارت است از مجموعه‌ای از واژگان یا جمله‌ها که بتوان ارتباطی از معانی مشابه در آنها یافت و بر آن اساس، آنها را تقسیم‌بندی کرد. واحد معنا، مبنا و پایه ساخت (رمز) است و از آن می‌توان به رمزگذاری رسید. رموزها نیز ابزارهایی برای تفکر و ابتکارند. از این رو، بر اساس واحد معنا، باید داده‌ها را با توجه به نوع تحقیق در رموزهای مختلف قرار داد (هسیه و شانون، 2005²). برای نمونه، متن کامل مصاحبه‌شوندگان شماره 1، 2، 3 و 5 به همراه فرایند استخراج واحدهای معناداری و رمز مصاحبه‌شوندگان در جدول 2 ارائه شده است؛ خلاصه نقل قولهای سایر مصاحبه‌شوندگان، به همراه واحدهای معناداری و رموزهای آن، در جداول 3 و 4 ارائه شده است.

1. واحدهای معناداری و رموزهای مصاحبه‌شوندگان شماره 1، 2، 3 و 5

محقق با بررسی نقل قول مصاحبه‌شونده شماره 1، به واحد معناداری «توسعه دانشگاه‌های پولی در ایران» مصاحبه‌شونده شماره 3، به «نگاه بنگاه‌داری به دانشگاه»؛ مصاحبه‌شونده شماره 5، به «وجود مراکز رشد صرفاً فنی - مهندسی» و مصاحبه‌شونده شماره 2، به «تغییر ساختار دانشگاهها در راستای هم‌سنجی با بازار و تجارت، تغییر هویت علمی اساتید و پژوهشگران، تمرکز اساتید بر بیرون از دانشگاه (برون‌گرایی اساتید) و رواج پژوهشگر پیمانکار» دست یافت.

1. Yvonne

2. Hsieh & Shanon

414 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 76

«دانشگاه در طول سالهای بعد از انقلاب از لحاظ تعداد و حجم، تغییرات محسوسی داشته است. در دهه 50، حدود 13 دانشگاه در ایران وجود داشت؛ این تعداد در سالهای پایانی دهه 60، رشد قابل توجهی یافت و به بیش از 208 دانشگاه رسید؛ اما با توجه به سیاست گسترش دانشگاهها در اشکال مختلفی چون پیام نور، علمی کاربردی و دانشگاه آزاد اسلامی، تا سال 1394 به بیش از 2800 رسیده است. آیا در این کثرت دانشگاهها فقط توسعه علمی در کشور مطرح بوده؛ مسلماً اینطوری نیست. ببینید چقدر استادان پاره وقت زیاد شدند و دانشگاهها به سمت پولی و آموزش پولی رفتند؛ یعنی آموزش یک کالا بوده که باید پول برای آن پرداخت کنی و الان بیش از 80 درصد دانشجویان شهریه می پردازند. نگاه به دانشگاه یک نگاه پولی شده.» (مصاحبه شونده شماره 1)

«مروزه نهاد نیرومند بازار - صنعت، به تعاملات دانشگاه وارد شده که از مهم ترین ویژگی های دانشگاهها خصوصاً در ایران، ارتباط دانشگاه با صنعت است. نگرش خودمشرعیت بخشی علم، جای خود را به نگرش سوددهی و بنگاهی داده است و دیگر واژه علم به جای اینکه به بحث از کشف واقع و روشنگری اطلاق بشود، صرفاً به تأمین نیازهای بازار - صنعت معطوف شده است. به عبارتی؛ دغدغه علم، بازار شده و دانشگاه یک بنگاه معاملاتی است که به دنبال سود بیشتر است.» (مصاحبه شونده شماره 3)

«ما امروزه سیاست خود را بر گسترش مراکز رشد فناور محور در دانشگاهها قرار دادیم و متأسفانه مراکز رشد و فناوری دانشگاههای ما متأثر از ایده های نولیبرالیستی ایجاد شده اند، تا افراد بازاری تربیت کنند. دانشگاههای ما در حال حاضر انسان با تفکر سودجویانه و با نگرش رقابت در بازار کار وارد جامعه می شوند؛ اساتید دانشگاههای ما به سمت پول سوق داده شده اند. درست است که ایجاد این مراکز رشد که اغلب فنی - مهندسی می باشند، برای جامعه مفید می تواند باشند؛ اما فکری به حال گسترش تفکر بازاری اساتید و دانشگاهیان شده است و جایگاه انسان و علوم انسانی اسلامی که به دنبال تعالی خویش است کجای مراکز رشد فنی مهندسی قرار دارد؟ اصلاً مراکز رشد علوم انسانی چه جایگاهی دارند.» (مصاحبه شونده شماره 5)

«بسیاری از عزیزان دانشگاهی خصوصاً در حوزه علوم انسانی معتقدند که دانشگاههای کنونی کشور ما باعث تغییر هویت حرفه ای اساتید شده اند. به عبارتی؛ دانشگاهها نه تنها فعالیتهای علمی و پژوهشی خود را به رویکردها، اصول و قواعد شرکتی و بنگاهداری پیوند زده اند، بلکه ساختارهای خود را نیز در جهت هم سنخی و هم زبانی با آن، کاربردی و تجاری دایر کرده اند. محققان و دانشگاهیان به صورت پژوهشگر پیمانکار خارج از اجتماعات علمی با صنایع و شرکتهای قرارداد پژوهشی می بندند.» (مصاحبه شونده شماره 2)

در نقل قولهای ذکر شده، مشارکت کنندگان به روند گسترش مادی گرایی در دانشگاههای کنونی ایران اشاره می کنند و به صراحت عنوان می کنند که آموزش، یک کالای پولی شده و اساتید و دانشگاهیان، نگاه بازاری پیدا کرده اند؛ دانشگاه همانند بنگاه شده و علوم فنی - مهندسی اولویت خاصی به علوم انسانی داشته و هویت علمی دانشگاهیان تغییر پیدا کرده که با محتوای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در تضاد است. با مطالعه عمیق محتوای مصاحبه ها، واحدهای معنایی شناسایی شده و رمزهای طبقه بندی شده در جدول 2 ارائه شده اند.

415 \diamond کژکارکرد کنونی دانشگاه‌های ایران، مانع پیاده‌سازی ...

جدول 2: واحدهای معنایی و رمزهای مصاحبه‌شوندگان شماره 1، 2، 3 و 5

ردیف	واحد معنایی	رمز
1	توسعه دانشگاه‌های پولی، تورم در کمیت دانشگاهها، مدرک‌گرایی مفرط در جامعه، گسترش استادان پاره‌وقت	آموزش کلای پولی
2	ایجاد دانشگاه‌های چندمنظوره، توسعه دانشگاه‌های فراغتی، نگاه بنگاه‌داری به دانشگاه، یافتن شغل بهتر با حضور در دانشگاه	دانشگاه معادل بنگاه
3	وجود مراکز رشد صرفاً فنی - مهندسی، تربیت افراد کارآفرین با تفکر بازاری، تمرکز اساتید بر بیرون از دانشگاه (برون‌گرایی اساتید)	برتری علوم فنی - مهندسی
4	روح پژوهشگر بیمانکار، تغییر ساختار دانشگاهها در راستای هم‌سنجی با بازار و تجارت	تغییر هویت علمی دانشگاهیان

2. واحدهای معناداری و رمز مصاحبه‌شوندگان شماره 4 و 6 تا 14

در نقل قولهای مشارکت‌کنندگان، به ضعف آموزشی علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران تأکید و بیان شده که عدم توجه به علوم انسانی اسلامی، مانع اجرای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت خواهد شد. همچنین مشارکت‌کنندگان به برتری پژوهش بر آموزش و به حاشیه رفتن آموزش دانشگاهی اشاره کرده، اظهار می‌کنند که بی‌توجهی به امر آموزش، موجب عدم یادگیری در دانشجویان خواهد شد. با مطالعه عمیق محتوای مصاحبه‌شوندگان، واحدهای معنایی شناسایی شده و رمزهای طبقه‌بندی شده در جدول 3 ارائه شده‌اند.

جدول 3: واحدهای معنایی و رمزهای مصاحبه‌شوندگان شماره 4 و 6 تا 14

ردیف	واحد معنایی	رمز
1	نداشتن پژوهشهای کاربردی در علوم انسانی، بی‌توجهی به فناوری‌های نرم، ضعف در پژوهشکده‌های علوم انسانی اسلامی، نبود مراکز رشد علوم انسانی، ناتوانی پژوهشگران علوم انسانی، عدم تسلط اساتید علوم انسانی بر روش تحقیق علوم انسانی اسلامی، بازتولید اندیشه‌های غربی در پژوهشهای علوم انسانی کشور.	عدم کاربردی شدن علوم انسانی در متن جامعه
2	ترجمه‌ای بودن علوم انسانی، عدم تسلط اساتید و دانشجویان علوم انسانی به زبانهای خارجی، ناتوانی وزارت علوم در توسعه رشته‌های تحصیلی بین رشته‌ای و فرارشته‌ای.	بومی نبودن علوم انسانی
3	ارتباط نسبتاً کم بین حوزه و دانشگاه در علوم انسانی اسلامی، آموزش اندیشه‌های دیگران در کتب علوم انسانی به جای آموزش اندیشیدن، جدایی علوم انسانی از علوم طبیعی در دانشگاههای کشور، تفاوت اقتصاد متأثر از مبانی دینی در علوم انسانی با کاملاً با اقتصاد متأثر از اندیشه‌های مادی، وجود ناسازگاری بین علوم انسانی فعلی با معارف تشیع.	عدم تعامل مطلوب بین حوزه و دانشگاه در علوم انسانی خصوصاً علوم انسانی اسلامی
4	نگاه تقلیل‌گرایانه مسئولان آموزشی به علوم انسانی، ضعف نظام آموزشی در ارتباط بین علوم انسانی با علوم فنی - مهندسی، تصمیم‌گیری برای علوم انسانی توسط غیر متخصصان، کمبود متون اصلی علوم انسانی متفکر ساز در دانشگاهها	جایگاه نامناسب علوم انسانی در وزارت علوم
5	اهمیت یافتن کارکرد پژوهشی دانشگاه، نبود تلفیق کامل بین آموزش و پژوهش در دانشگاهها، تقویت بازار پژوهشهای دانشگاه محور	برتری پژوهش بر آموزش
6	وجود پدیده سکوت کلاسی در دانشگاهها، تحمیل سرفصلهای آموزشی نامربوط توسط دانشگاهها، نبود شوق یادگیری در کلاسهای دانشگاه.	تزلزل موجودیت کلاس درس در دانشگاهها
7	عدم ارتباط بین کلام استاد با محتوا و ذهن دانشجو، عدم انگیزه اساتید برای ارائه آموزش، کشمکش دانشگاههای ایران در یافتن هویت و دانش، ارائه آموزشهای بی‌روح، ساخت‌شناسی ضعیف دانشجویان.	تغییر ارزش ماهیت آموزش

3. واحدهای معناداری و رمز مصاحبه‌شوندگان شماره 15 تا 23

مشارکت‌کنندگان به تنوع اهداف ورود به دانشگاه توسط دانشجویان کنونی اشاره کرده‌اند که معمولاً نگاه مادی و تفریحی در هدف به ورود به دانشگاه دارند. بخشی از تفاوت نقل قولهای مصاحبه‌شوندگان شماره 19 تا 23 با سایرین، مربوط به مسئله فرهنگ‌سازی در دانشگاه‌هاست که مصاحبه‌شوندگان بر اهمیت نقش فرهنگ‌سازی در دانشگاه‌ها با هدف پیشرفت در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی و علمی جامعه تأکید داشتند. اساساً فرهنگ هر جامعه، موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ بیگانه باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه نیز به آن سو می‌گراید و در نهایت، در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه، از استقلال فرهنگ آن جامعه نشأت می‌گیرد؛ به همین دلیل استعمارگران از دیرباز، فرهنگ جوامع زیر سلطه را نشانه رفته‌اند. با مطالعه محتوای مصاحبه‌شوندگان، واحدهای معنایی شناسایی شده و رمزهای طبقه‌بندی شده در جدول 4 ارائه شده‌اند.

جدول 4: واحدهای معنایی و رمزهای مصاحبه‌شوندگان شماره 15 تا 23

ردیف	واحد معنایی	رمز
1	کسب شغل، کسب پرستیژ بالاتر، کسب مدرک بالاتر، عقب‌نفتادن از دیگران	رسیدن به موقعیت اجتماعی بالاتر
2	رهایی از فشارهای خانوادگی، به تعویق انداختن سربازی، تلاش برای ازدواج بهتر	دانشگاه مکان اوقات فراغت
3	ارتقای علمی، منزلت‌طلبی، چشم و هم‌چشمی	ارتقا و پیشرفت سازمانی
4	فرهنگ‌پذیری آسان دانشگاه‌ها، استیلای فرهنگی در دانشگاه‌های ایران با بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها، کم‌توانی دانشگاه در تصمیم‌سازی فرهنگی	عدم مولدسازی فرهنگ توسط دانشگاه‌های کنونی ایران
5	ضعف دانشگاه در توسعه سرمایه فرهنگی، ناتوانی دانشگاه‌ها در توسعه فرهنگ علم و پژوهش، نگاه سطحی دانشگاه به فرهنگ و برنامه‌های فرهنگی، ضعف دانشگاه در مواجهه با خرده‌فرهنگ‌های جامعه، ضعف جامعه‌پذیری دانشگاه‌ها	فعالیت‌های فرهنگی ضعیف دانشگاه‌ها
6	فاصله بین افق دانشگاه با افق واقعیات جامعه، عدم ارتباط کارکردهای فرهنگی دانشگاه با کارکردهای آموزشی و پژوهشی	نبود سیستم جامع و راهبردی فرهنگی در ارتباط با سامانه علمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در دانشگاه‌ها

طبق جداول 1 تا 4، همه واحدهای معنایی در طبقه مناسب خود رمزگذاری شدند و البته داده‌هایی که مربوط به موضوع پژوهش نمی‌شدند، از فرایند تحقیق کنار گذاشته شدند و سعی شد گزاره‌های کلامی مصاحبه‌شوندگان که نزدیک به هم بوده نیز در یک واحد معنایی و رمز قرار گیرند. در مرحله بعد، باید رمزهای استخراج شده را در طبقه‌های مستقل و با مفهوم جاگذاری کرد و در نهایت، طبقه‌های استخراج شده را در قالب درون‌مایه‌های مجزا قرار داد. طبقه، مجموعه‌ای از مفاهیم و رمزهاست که زمینه مشترک دارند و در قالب یک مضمون خلاصه می‌شوند. باید توجه داشت که نمی‌توان هر یک از رمزها را در بیش از یک طبقه جای داد. استخراج درون‌مایه مرحله نهایی و اصلی تحلیل محتوای کیفی است. در این مرحله، همه داده‌های استخراج شده در قالب واحدهای معناداری، رمزها و طبقات، به منزله واحدهای بنیادین و اساسی تحقیق دسته‌بندی می‌شوند؛ بدین معنا که همه طبقات ایجاد شده در تحقیق، که مضامین مشترک دارند، به گروه‌هایی

417 ♦ کژکارکرد کنونی دانشگاه‌های ایران، مانع پیاده‌سازی ...

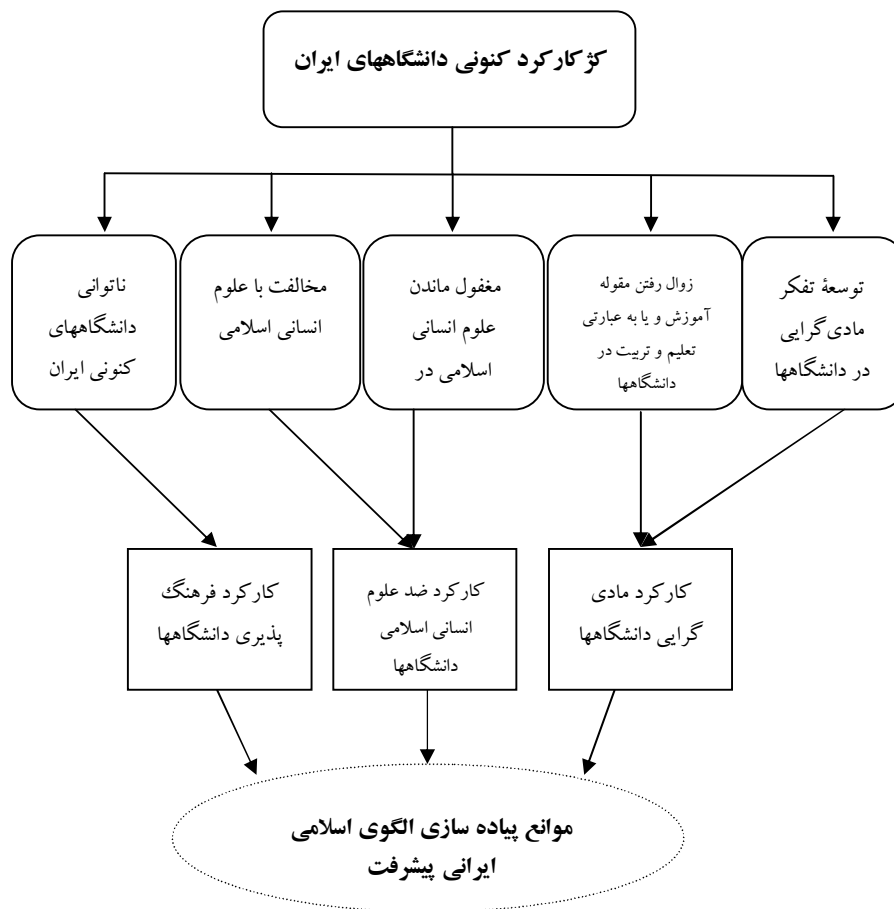
با عنوان درون‌مایه تخصیص داده می‌شوند که در واقع؛ پاسخ اصلی به پرسشهایی اند که در ابتدای پژوهش مطرح شدند (هسبه و شانون، 2005). برای نمونه، رمزهای آموزش کالای پولی، دانشگاه معادل بنگاه، تغییر ارزش ماهیت آموزش، دانشگاه مکان اوقات فراغت و تغییر هویت علمی دانشگاهیان با عنوان طبقه «توسعه تفکر مادی‌گرایی در دانشگاهها» جاگذاری می‌شوند. در مرحله نهایی، باید همه این طبقات شناسایی شده را در قالب درون‌مایه‌ها قرار داد؛ برای مثال، طبقات توسعه تفکر مادی‌گرایی در دانشگاهها و زوال رفتن مقوله آموزش در دانشگاهها را می‌توان در درون‌مایه کارکرد مادی‌گرایی دانشگاه‌های کنونی ایران جای داد. در جدول 5، همه این دسته‌بندی‌ها نسبت به رمزها، طبقه‌ها و درون‌مایه‌ها به صورت کامل آورده شده‌اند.

جدول 5: رمزها و طبقه‌ها و درون‌مایه‌ها

ردیف	رمز	طبقه	درون‌مایه
1	آموزش کالای پولی	توسعه تفکر مادی‌گرایی در دانشگاهها	کارکرد مادی‌گرایی دانشگاه‌های کنونی ایران (کژکارکرد)
2	دانشگاه معادل بنگاه		
3	تغییر ارزش ماهیت آموزش		
4	دانشگاه مکان اوقات فراغت		
5	تغییر هویت علمی دانشگاهیان		
6	تزلزل موجودیت کلاس درس در دانشگاهها	زوال رفتن مقوله آموزش و یا به عبارتی تعلیم و تربیت در دانشگاهها	
7	برتری پژوهش بر آموزش		
8	ارتقا و پیشرفت سازمانی		
9	رسیدن به موقعیت اجتماعی بالاتر		
10	برتری علوم فنی - مهندسی	مغفول ماندن علوم انسانی اسلامی در دانشگاهها	کارکرد ضد علوم انسانی اسلامی دانشگاهها (کژکارکرد)
11	عدم کاربردی شدن علوم انسانی در متن جامعه		
12	جایگاه نامناسب علوم انسانی اسلامی در وزارت علوم		
13	عدم تعامل مطلوب بین حوزه و دانشگاه در علوم انسانی خصوصاً علوم انسانی اسلامی		
14	بومی نبودن علوم انسانی	مخالفت با علوم انسانی اسلامی	
15	عدم مولدسازی فرهنگ توسط دانشگاه‌های کنونی ایران	ناتوانی دانشگاه‌های کنونی ایران در تولید فرهنگ	کارکرد فرهنگ‌پذیری دانشگاهها (کژکارکرد)
16	فعالیت‌های فرهنگی ضعیف دانشگاهها		
17	نبود سیستم جامع و راهبردی فرهنگی در ارتباط با سامانه علمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در دانشگاهها		

با توجه به مطالب جدول 5، رمزها در پنج طبقه تقسیم شدند و در نهایت، طبقه‌ها در قالب سه درون‌مایه کارکرد مادی‌گرایی دانشگاهها، کارکرد ضدعلوم انسانی اسلامی دانشگاهها و کارکرد فرهنگ‌پذیری دانشگاهها گنجانده شدند. در رابطه با کارکرد اول؛ یعنی مادی‌گرایی باید به این نکته توجه شود که ایران پنج برابر کشورهای پیشرفته دانشگاه دارد و با نگاه مادی‌گرایی به کالای آموزش، اخیراً هم مراکز رشد فناور دانشگاهها را در ترویج همین نگاه مادی‌گرایی ادامه می‌دهد. اگر چه وجود این مراکز دانش‌بنیان برای جامعه الزامی است، اما متأسفانه جایگاه فناوری‌های نرم و کاربردی کردن علوم انسانی اسلامی مورد

غفلت واقع شده است؛ تا جایی که دانشگاه‌های کنونی علاوه بر کارکرد اول، دارای کارکرد دوم به نام کارکرد ضد علوم انسانی اسلامی می‌باشند و قابلیت ارتباط بین فناوری نرم با فناوری سخت را نداشته و در نتیجه، به جای تولید فرهنگ بومی در راستای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ناگزیر به پذیرش فرهنگ بیگانه می‌شوند و کارکرد سوم به نام کارکرد فرهنگ‌پذیری در دانشگاه‌های کنونی ایران ایجاد شده است.



شکل 2: الگوی کارکرد کنونی (کژکارکردها) دانشگاه‌های ایران، موانع پیاده سازی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

هـ) بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس تفسیر و تحلیل یافته‌ها از طریق بازخوانی چندبارهٔ مصاحبه‌های مکتوب‌شده، 60 واحد معنایی استخراج و در قالب 17 رمز دسته‌بندی شدند. این 17 رمز نیز در قالب پنج طبقه قرار گرفتند و در نهایت، سه درون‌مایه از آنها استخراج شد. با توجه به رویکرد تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار، که در این پژوهش از آن استفاده شد، طی فرایند رمزگذاری و طبقه‌بندی، از ادبیات پژوهشی و مقالات پیشین نیز استفاده شد؛ برای مثال، در پیشینهٔ مقاله اشاره شده که یکی از کارکردهای دانشگاه از نگاه مقام معظم رهبری، آینده‌نگری و تداوم انقلاب است (کشتکار و نوروزی، 1395)؛ اما در این تحقیق، خبرگان بیان کردند که دانشگاه‌های کنونی ایران در حال پذیرش فرهنگ‌اند؛ لذا از رمز فرهنگ‌پذیری دانشگاه‌ها استفاده شد. همچنین با در نظر گرفتن ادبیات پژوهش و متن مصاحبه‌شوندگان، طبقهٔ ناتوانی دانشگاه‌های کنونی در تولید فرهنگ، در قالب درون‌مایهٔ کارکرد فرهنگ‌پذیری دانشگاه‌ها قرار گرفت. لذا یکی از کارکردهای کنونی دانشگاه‌های ایران، کارکرد فرهنگ‌پذیری بوده که این کارکرد در تضاد با یافته‌های تحقیق کشتکار و نوروزی (1395) و ذوالفقارزاده و سعدآبادی (1393) است.

نتیجهٔ دیگر این پژوهش وجود کارکرد مادی‌گرایی در دانشگاه‌های ایران است. مدرک‌گرایی ایرانی‌ها، وضع دردناکی برای اقتصاد ایران رقم زده است. کشور ایران بیشتر از هند و چین یک میلیارد و چندصد میلیون نفری، دانشگاه و مراکز آموزش عالی دارد. ایران پنج برابر کشورهای پیشرفته، دانشگاه دارد. بنا به آخرین گزارش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در ایران 2640 دانشگاه وجود دارد که از این میان، سهم وزارت علوم از جمعیت دانشجویی 68 درصد و سهم دانشگاه آزاد 32 درصد است؛ در حالی که بر اساس اعلام مؤسسهٔ اسپانیایی CISC، چین تنها 2481 و هند 1620 دانشگاه دایر کرده است. این یافتهٔ پژوهش با نتایج تحقیقات/انتظاری (1388) که پیشنهاد نگاه بازاری به آموزش عالی را داشته، مطابقت دارد و متأسفانه تأیید می‌کند که بعد از 10 سال، کاملاً نگاه بازاری در دانشگاه‌ها حاکمیت دارد. همچنین با نتایج تحقیقات ملکی‌نیا و همکاران (1394) که تأکید بر وجود رویکرد فلسفهٔ بازار (مشتري‌مداری، خصوصی‌سازی و ...) در دانشگاه‌ها داشته، همخوانی دارد.

اگر چه یک نگاه مثبت به آموزش این بوده که آموزش دانشگاهی، عامل قدرتی است که فرد را قادر می‌سازد تا از فرهنگ جامعهٔ خود لذت ببرد و در امور پیشرفت آن مشارکت کند و به این ترتیب، ارزش خود را در جامعه هر چه بهتر درک کند؛ حال آنکه امروز و در عمل، لزوماً داشتن آموزش دانشگاهی برای افراد به افزایش لذت فردی از زندگی، رضایت از خود و نیز مشارکت در امور جامعه منجر نمی‌شود و گاه حتی تأثیری معکوس بر آمار مهاجرت، بیکاری، افسردگی و عدم رضایت دارد. آموزش دانشگاهی در دوره‌های مختلفی تغییرات خاصی به خود گرفته است؛ تا زمان جنگ جهانی دوم جهانی، آموزش و دانشگاه امری منحصر به طبقات نخبهٔ جامعه بود؛ اما پس از آن، تغییراتی بنیادی در دامنهٔ مخاطبان دانشگاه پدید آمد؛ تا جایی که در قرن بیست و یکم پژوهش به آن اضافه شد؛ بعد از آن جوامع دانش‌بنیان اهمیت

فراوانی در تکوین دانشگاهها و ایجاد دانشگاه کارآفرین داشتند. با ظهور فعالیتهای کارآفرینانه، متأسفانه دانشگاههای ایران بدون در نظر گرفتن علوم انسانی و علوم پایه، پژوهشهای خود را به سمت علوم فنی مهندسی سوق دادند. به عبارتی؛ دانشگاههای ایران، رسالت اصلی خود را تغییر داده، به سمت ارتباط با صنعت و سرمایه‌داری رفتند. در صورتی که کارکرد اصلی دانشگاه، نه کارآفرینی؛ که پرورش پژوهشگران و نشر هنجارها و اصول در اجتماع است. آموزش و پژوهش در دانشگاهها دو جنبه مکمل یکدیگر تلقی می‌شوند و نباید بین آن دو شکاف واقع شود. کارکرد دانشگاهها پرداختن به پژوهشهای بنیادی و تولید علوم پایه است و اگر در این موضوع با شکست مواجه شود، دولت باید مانند کالاهای عمومی با این پدیده برخورد کرده و از آن حمایت کند. هر چند امروزه از دانشگاهها انتظار می‌رود تا به کارکردهای چون: تولید دانش، پژوهش، انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر، نشر و اشاعه دانش و تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآفرین برای جامعه بپردازند؛ اما این همه به رغم اهمیت آن، تنها بخشی از کارکردهای مورد انتظار است و نباید رسالت اصلی دانشگاههای ایران را که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و دانشگاه اسلامی به دنبال آن است، ضعیف کند. اگر نخبگان علمی کشور به دنبال پیاده‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در جامعه‌اند، باید در قدم اول وجه معرفتی و توسعه تفکر در راستای تولید علم را کارکرد اصلی دانشگاه در نظر بگیرند. اگر چه وجود جامعه دانش‌بنیان کاملاً منطقی و یک الزام برای نظام جمهوری اسلامی است، اما نباید کارکردهای علمی آموزشی دانشگاههای ایران تحت الشعاع نظام سرمایه‌داری قرار گیرد.

گرچه مسئولان کشور با در نظر گرفتن الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به دنبال ایران اسلامی برخوردار از دانشگاهها و پژوهشگاههای پیشگام در عرصه تولید دانش تمدنی و تبیین و توسعه فرهنگ جهانی اسلام و پیشتاز در گسترش مرزهای دانش و علوم کاربردی و کارآمد مبتنی بر نگرش وحیانی به منظور کسب مرجعیت علمی و فرهنگی در منطقه و جهان اسلام و دارای اساتید عالم، متدین، عدالتخواه و آزاداندیش تربیت‌یافته در مکتب اسلام و انقلاب، مسئولیت‌پذیر در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با توانایی تربیت متخصصانی متدین و متعهد و دانشمندانی برترند، اما نتایج این تحقیق نشان داد که وضعیت کارکردهای کنونی دانشگاه، شامل کارکرد مادی‌گرایی، ضد علوم انسانی اسلامی و فرهنگ‌پذیری دانشگاهها، در تضاد با اهداف کلان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت‌اند.

وقتی از مادیت جدید دانشگاهها در ایران صحبت می‌شود، تحولات کمی که جسمانیت دانشگاهها را متحول می‌کند، مد نظر است. در چنین وضعیتی، جامعه با تورم دانشگاهها روبه‌روست؛ دانشگاههای بیشترین هدف خود را نگاه مشتری‌مداری به دانشجو داشته و آموزش را کالایی خصوصی به شمار می‌آورند که تلاش در فروش آن دارند. بازاری کردن دانشگاهها منجر به کنش متقابل بازاری در بین اساتید و دانشجویان می‌شود و انسان بازاری و اقتصادی نتیجه تربیت دانشگاه خواهد شد. شکل‌گیری انسان اقتصادی صرفاً با تفکر سودجویانه، موجب به حاشیه رفتن انسان دینی می‌شود. اگر دانشگاههای ایران تفکر خود را نسبت به آموزش تغییر ندهند، نمی‌توانند جایگاه اصلی خود را در نظام اسلامی داشته باشند و در

421 ◆ کژکارکرد کنونی دانشگاه‌های ایران، مانع پیاده‌سازی ...

راستای الگوسازی در تولید علم و معرفت، ارتقای سطح فرهنگ عمومی در جامعه و عمومی کردن ارزشها و هنجارهای تمدنی، گفتمان‌سازی و ایجاد تمثیل‌ها و الگوهای مبین و قوام‌دهنده تمدن نوین اسلامی، ترویج اخلاق و اخلاق‌مداری در جامعه با هدف پیاده‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در متن جامعه با شکست مواجه خواهند شد. لذا سودآوری و انتفاعی بودن یک علم، باید بر درک صحیح از ماهیت و نقش علم در حل‌ایستادگی‌هاستوار شود.

نتایج این تحقیق، مراکز رشد و پارکهای علم و فناوری را انکار نمی‌کند، اما اگر صرفاً نگاه مادی‌گرایی به علم در جامعه ایران گسترش یابد، نه علم جایگاه واقعی خود را می‌یابد و نه بازار صنعت در تولید علم و ارتقای دانش برای اجتماعات نقش مشارکتی و همیاری خواهد داشت. لذا نگاه کاربرد علم در جامعه باید در کنار نگاه ارزشی به علم و تولید معرفت و فرهنگ در جامعه نهادینه شود. از طرفی، یکی از مفاهیمی مطرح در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و در تعارض با کارکردهای کنونی دانشگاه‌های ایران، مسئله دانشگاه اسلامی است. اگر هدف در دانشگاه اسلامی از دیدگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت این است که تمامی عناصر دانشگاه‌های ایران، هم‌سو و هم‌جهت با ارزشهای اسلامی باشند یا حداقل در تعارض با الگوها، ارزشها و آرمانهای والای الهی انسانی نباشند، پس توسعه تفکر مادی و تغییر هدف دانشجویان از تحصیل در دانشگاه که نتایج این تحقیق‌اند، در تعارض با محتوای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و دانشگاه اسلامی است؛ دانشگاهی که هدف آن باید هدفهای اسلامی و دینی باشد و ارکان آن را نیز نیروهای مؤمن و متعهد تشکیل بدهند و ارزشها نیز در اولویت باشند. بنابر این پیشنهاد می‌شود:

➤ مدیران و مسئولان دانشگاهها باید بدانند که رسالت دانشگاه، انسان‌سازی و تربیت انسان برای جامعه اسلامی است، نه ایجاد شغل در مأموریت دانشگاه.

➤ اکثر دانشگاهها دارای مراکز رشد در حوزه‌های علوم فنی - مهندسی‌اند، اما مراکز رشد علوم انسانی ندارند و با توجه به اینکه یکی از کژکارکردهای کنونی دانشگاه‌های ایران، کارکرد ضد علوم انسانی اسلامی دانشگاههاست، لذا همراه با توسعه مراکز رشد فنی - مهندسی، مراکز رشد علوم انسانی اسلامی نیز ایجاد و توسعه یابد.

➤ مسئله فناوری‌های نرم توسط اساتید دانشگاهها بازخوانی شود تا بین فناوری‌های سخت با فناوری‌های نرم ارتباط برقرار شود.

پیشنهاد می‌شود در راستای پیاده‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، علاوه بر وظایف آموزشی، پژوهشی و کارآفرینی دانشگاهها، مأموریت جدیدی با عنوان «راهبرد فناوری‌های نرم بومی» توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تعریف شود که همانا مأموریت کاربرد علوم انسانی اسلامی در جامعه اسلامی ایران است. راهبرد فناوری‌های نرم بومی، علاوه بر اهمیت قائل شدن برای کارآفرینی دانشگاهها، مانع نفوذ تفکر سکولاریسم و نئولیبرالیستی در اندیشه، نگرش و بینش اساتید و دانشجویان خواهد شد.



منابع

- امام خامنه‌ای (1389/10/9). سخنرانی در اولین نشست اندیشه‌های راهبردی. قابل دسترسی در: www.Leader.ir
- امام خامنه‌ای (1387/2/14). سخنرانی در دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های شیراز. قابل دسترسی در: www.Leader.ir
- انتظاری، یعقوب. (1388). «ارائه الگویی برای هماهنگ سازی نظام آموزش عالی با تحولات مبتنی بر دانش در نظام اشتغال». پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ش 3: 28-1.
- افراسیابی، حسین و فهیمه خوبیاری (1394). «هویت دانشجویی و عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان دانشگاه‌های یزد». پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره بیست و یکم، ش 4: 19-1.
- باقری، مسلم و مهرداد کیانی (1395). «شناسایی جایگاه دانشگاه در آموزش و ارتقای قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان بر اساس رویکرد غربالگری فازی». پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره بیست و دوم، ش 4: 67-4.
- حاجی خواجه‌لو، صالح‌رشید و ابوذر حسامپور (1390). «به سوی پارادایمی جدید از علم». راهبرد فرهنگ، ش 14.
- ذوالفقارزاده، محمدمهدی و علی اصغر سعدآبادی (1393). «بازتعریف کارکردهای اصلی دانشگاه در جامعه بر اساس آرمانهای اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)». مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، ش 65.
- سنچولی، زینب (1392). «تبیین ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت». الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، سال دوم، ش 3: 104-79.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (1391). پیشنهاد سند دانشگاه اسلامی. شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- عالی‌پور، علیرضا و ترانه عنایتی (1393). «پیشنهاد مدل مراکز رشد زایشی علوم انسانی دانشگاهی، حرکت به سمت دانشگاه‌های نسل چهارم». رشد فناوری، ش 39.
- عبدالملکی، حسین و مژگان حسینی (1394). «تبیین بازنهادی الگوی سیاستی جامعه نبوی در نقشه راه تمدن نوین اسلامی». هفتمین کنگره پیشگامان پیشرفت. تهران.
- فاضلی، نعمت‌الله (1392). «رشته‌های دانشگاهی: کارکردها، کارکردها و تحولات». مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ششم، ش 1.
- فاضلی، نعمت‌الله (1387). فرهنگ و دانشگاه. تهران: ثالث.
- فراستخواه، مقصود (1389). دانشگاه و آموزش عالی. تهران: نی.
- قانع‌راد، محمدمامین؛ امیرملکی و زهرا محمدی (1392). «مطالعه دگرگونی فرهنگی در سه نسل دانشگاهی». جامعه‌شناسی ایران، دوره چهاردهم، ش 1: 64-30.

423 ◆ کژکارکرد کنونی دانشگاه‌های ایران، مانع پیاده‌سازی ...

- کشتکار، مهران و خلیل نوروزی (1395). «الگوی مفهومی دانشگاه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری». *مطالعات راهبردی بسیج*، سال نوزدهم، ش 73.
- کلدی، علیرضا و فاطمه فلاح مین‌باشی (1388). «بررسی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاهها از نظر دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)». *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، سال سوم، ش 1: 74-91.
- ملکی‌نیا، عماد؛ عباس بازرگان، مظفرالدین واعظی و مجید احمدیان (1394). «شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های دانشگاه پایدار». *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره بیستم، ش 3: 1-26.
- نیلی، محمدرضا و ستاره موسوی (1394). «تبیین جایگاه نوآوری فعالیتهای یاددهی- یادگیری در رشد تفکر فلسفی». *هفتمین کنگره پیشگامان پیشرفت*. تهران.
- Abdolmaleki, Hossein & Mozghan Hasani (2015). "Explaining the Prophet's Model Policy Model in the New Islamic Civilization Roadmap". *7th Pioneering Congress of Progress*, Tehran.
- Afrasiyabi, Hossein & Fahime Khobyari (2015). "Student Identity and its Related Factors among Students of Yazd Universities". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 21(4): 1-19.
- Alipour, Alireza & Taraneh Enayati (2014). "Proposed Model of Spin off Incubators of the University of the Humanities, Move to Fourth-Generation Universities". *Technology Development Quarterly*, No. 39.
- Bagheri, Moslem & Mehrdad Kiyani (2016). "Identification of University Status in Teaching and Promoting Entrepreneurship Capabilities of Students Based on Fuzzy Screening Approach". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 22(4): 4-67.
- Barnett, R. (2000). "University Knowledge in an Age of Super Complexity". *Higher Education*, 40 (4): 409-22.
- Entezari, Yagoub (2010). *A Model for Coordinating Higher Education System with Knowledge Based Changes in Employment System*, *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, NO(3): 1-28.
- Etkowitz, Henry & et al. (2000). "The Future of the University and the University of the Future: Evolution of Ivory Tower to Entrepreneurial Paradigm". *Research Policy*, No. 29: 313-330.
- Fazeli, Nematollah (2008). *Culture & Universities*. Tehran: Sales Publishing.
- Fazeli, Nematollah (2013). "Academic Degrees: Functions, Dangers and Developments". *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 6(1).
- Frasatkah, Maghsoud (2010). *University and Higher Education*. Tehran: Ney Publishing.
- Ghanei Rad, Mohammad Amin; Amir Maleki & Zahra Mohammadi (2013). "Study of Cultural Transformation in Three Generations". *Journal of Sociology of Iran, Fourteenth*, No 1: 30-64.

- Haji Khajeh Lou, Saleh Rashid & Abuzar Hasampour (2011). **“To the New Paradigm of Science”**. *Journal of Strategy of Culture*, No 14.
- Hsieh, Hsiu-Fang & Sara E. Shanon (2005). **“Three Approaches to Content Analysis”**. *Qualitative Health Research*, 15(9): 112-131.
- Imam Khamenei (2008). **Lecture by the Supreme Leader in a Meeting with Students and Professors of Shiraz Universities**. Available at: www.Leader.ir
- Imam Khamenei (2010). **Lecture by the Supreme Leader at the first Strategic Thinking Meeting**. available at: WWW.Leader.ir
- Islamists Council of Universities and Educational Centers of the Supreme Council of the Cultural Revolution, (2012). **Drafting of the Document of the Islamic University**.
- Kaldi, Alireza & Minbashi Fallah Fatemeh. (2009). **Students’ Attitudes About Socio-Cultural Functions of The Universities**, *Journal of social sciences*, 3(1): 72-92.
- Keshtkar, Mehran & Khalil Norouzi (2016). **“Conceptual Model of Islamic University from the Perspective of the Supreme Leader of Al-Ayali”**. *Strategic Studies Basij Quarterly*, ninth issue, No. 73.
- Malekinia, Emad; Abbas Bazargan, Mozaffaraddin Vaezi & Majid Ahmadian (2015). **“Identifying and Prioritizing Components of Sustainable University”**. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 20(3): 1-26.
- Nili, Mohammad Reza & Setareh Mousavi (2015). **“Explaining the Innovation Position of Learning-Learning Activities in the Development of Philosophical Thinking”**. *Seventh Pioneering Progress Congress*, Tehran.
- Postigo, S. (2002). **Entrepreneurship Education in Argentina: The Case of San Anders University in Proceedings of the Conference Entitled the Internationalizing in Entrepreneurship Education and Training**, Malasya. July, P. 8-10.
- Sanchulli, Zeynab (2013). **“Explaining the Nature of the Islamic Model of Islamic Progress”**. *Quarterly Journal of Islamic-Iranian Progress*, Second Year, No. 3: 79-104.
- UNESCO (2003). **World Declaration on Higher Education for the 21st Century: Vision and Action**.
- Yvonne, E.D. (2001). **“A Synthesis Technique for Grounded Theory Data Analysis”**. *Journal of Advanced Nursing*, 654-663.
- Zolfagharzadeh, Mohammad Mehdi & Ali Asghar Saadabadi (2014). **“Redefining the Main Functions of the University in the Society Based on Islamic Ideals in Imam Khomeini's Thoughts”**. *Basij Strategic Studies Quarterly*, 17: 65.

